

فرهنگ اصطلاحات فلسفی کانت

مسعود امید

استاد ار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

بهراد حسن پور

دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه

نشر علم

تهران-۱۳۹۱

سرشناسه	: امید، مسعود،
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ اصطلاحات فلسفی کانت / مسعود امید، بهزاد حسن پور.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۰ ص.
شابک	: ۹ - ۳۹۶ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. -- واژگان
موضوع	: فلسفه آلمانی -- اصطلاحها و تعبیرها
شماره افزوده	: حسن پور، بهزاد.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ الف ۸ و ۲ / BT۷۹۹
رده بندی دیویی	: ۱۹۳/۰۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۰۰۴۵۸



فلسفی

فرهنگ اصطلاحات فلسفی کانت

مسعود امید، بهزاد حسن پور

چاپ اول، ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر

چاپ: حیدری

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بین گرافتر، پلاک ۴، تلفن ۹۶۴۱۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹ - ۳۹۶ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه
	نمونه مقاله : گستره معنایی واژه مابعدالطبیعه / متافیزیک در فلسفه کانت
۵	چکیده
۶	مقدمه
۶	تقسیم بندی کلی در باب کاربردهای واژه مابعدالطبیعه
۷	الف - معنای مطلق : مابعد الطبیعه / متافیزیک (metaphysics)
۷	الف-۱- از جهت روان شناسی فلسفی
۹	الف-۲- از جهت معرفت شناسی
۱۱	الف-۲-۱- در مقام تصورات
۱۲	الف-۲-۲- در مقام تصدیقات
۱۵	الف-۲-۳- از جهت استدلال
۱۶	الف-۲-۴- از جهت نظامندی
۱۶	الف-۲-۵- از جهت روش
۱۷	ب- معنای مضاف مابعدالطبیعه
۱۸	ب-۱- مابعدالطبیعه شناخت (of knowledge metaphysics)
۲۰	ب-۲- مابعدالطبیعه متافیزیک (metaphysics of the metaphysics)
۲۱	ب-۳- مابعد الطبیعه اخلاق (metaphysics of morals)
۲۲	ب-۴- مابعد الطبیعه حق (metaphysics of right)
۲۲	ب-۵- متافیزیک اخلاقیات (metaphysics of morals)
۲۲	ب-۶- متافیزیک طبیعت (metaphysics of nature)
۲۲	ب-۷- مابعدالطبیعه علم فیزیک (metaphysics of physics) یا فیزیک عقلی (rational physics)
۲۳	ب-۸- مابعدالطبیعه دین (metaphysics of religion)
۲۳	ج- به معنای وصفی
۲۳	ج-۱- شرح متافیزیکی (metaphysical exposition)
۲۳	ج-۲- سبزم گروی متافیزیکی (metaphysical dogmatism)
۲۴	نتیجه گیری

فرهنگ اصطلاحات فلسفی کانت

- آداب دانی (to be familiar with manners) ۲۷
- آزادی (freedom) ۲۷
- آزادی به مفهوم عملی (freedom in the practical meaning) ۲۷
- آزادی بیرونی [حقوق] (external freedom) (external liberty) ۲۷
- آزادی گزینش (freedom of choice) ۲۷
- آسان میری عقل محض (pure reason's euthanasia) ۲۸
- آیین رفتار (maxim) ۲۸
- اخلاق - آیینی (morality) ۲۸
- اثر تجسمی (a mere peice of sculpture) ۲۸
- اثر فوق طبیعی (supernatural effect) ۲۸
- احساس (sentiment) ۲۹
- احکام ادراک (judgements of perception) ۲۹
- احکام تجربه سطحی (empirical judgements) ۲۹
- احکام تجربی (judgements of experience) ۳۰
- احکام ذهنی و عینی (subjective judgements) (objective judgements) ۳۰
- احکام ریاضی (mathematical judgements) ۳۰
- احکام عملی (practical precepts) ۳۱
- احکام عملی عقل (rational practical precepts) ۳۱
- احکام متافیزیکی به معنی اخص (metaphysical judgements in particular) ۳۱
- اخلاق (ethics, moral) ۳۲
- اخلاقمندی (morality) ۳۳
- ادب (courtesy) ۳۳
- ارزش بازاری (market price / market value) ۳۳
- ارزش تجملی (fanty price / fancy value) ۳۳
- ارغنون خردناب (pure reason organon) ۳۳
- اصل (principle) ۳۴
- اصل (maxim) ۳۴

- ۳۴..... اصل استقلال [اراده] (principle of independence)
- ۳۴..... اصل استعلایی وحدت (transcendental principle of the unity)
- ۳۵..... اصل استعلایی (transcendental principle)
- ۳۵..... اصل استمرار یا اتصال صورتها [اصل پیوستاری صورتها]
- ۳۵..... اصل بقا و پایداری جوهر (principle of the persistence of <substance>)
- ۳۵..... اصل بین تمام (the principle of thoroughgoing determination)
- ۳۶..... اصل تکلیف (principle of duty)
- ۳۶..... اصل تناقض (principle of contradiction)
- ۳۶..... اصل تولید (the principle of production)
- ۳۶..... اصل جزئی (dogmata)
- ۳۷..... اصل خود دوستی (principle of self-love)
- ۳۷..... اصل سبب کافی (principle of sufficient reason)
- ۳۷..... اصل عدم تمایز [پیوستگی] (principle of the indistinguishable)
- ۳۷..... اصل عملی صوری (Formal practical principle)
- ۳۸..... اصل عینی [قانون عملی] (objective principle = practical law)
- ۳۸..... اصل غایت مندی طبیعت (principle of the finality of nature)
- ۳۸..... اصل غایت مندی عملی (principle of practical finality)
- ۳۸..... اصل متافیزیکی (metaphysical principle)
- ۳۹..... اصل مشارکت (principle of community)
- ۳۹..... اصلهای متعارف (axioms)
- ۳۹..... اصلهای متعارف هندسه (axioms of geometry)
- ۳۹..... اصل نظام بخش عقل (regulative principle of reason)
- ۴۰..... اصل وحدت ترکیبی اصلی خودآگاهی
- ۴۰..... (the principle of the original synthetic unity of apperception)
- ۴۰..... اصل همبودی بر طبق قانون مبادله یا مشارکت
- ۴۰..... اصل یگانه‌ی اخلاق (sole principle of morality)
- ۴۰..... افعال خداپسندانه (actions well- pleasing to God)
- ۴۱..... الم (pain)
- ۴۱..... امر (imperative)
- ۴۱..... امر اخلاقی (moral imperative)

۴۱	امر ساده [امر بسيط] (simple)
۴۲	امر مقدم بر تجربه (a priori)
۴۲	امر نامشروط (unconditioned)
۴۲	اندیشیدن (thought, thinking)
۴۳	انگیزه (impulsion)
۴۳	اوامر جازم (مطلق) (categorical imperatives)
۴۳	اوامر مشروط (hypothetical imperatives)
۴۳	اتحاد اخلاقی (moral unity)
۴۳	اتحاد اخلاقی - مدنی (moral- civil unity) (moral commonwealth community)
۴۴	احترام (respect)
۴۴	احترام به قانون اخلاق (respect for the moral law)
۴۴	احتمال (probability)
۴۵	احتیاط (prudence)
۴۵	احساس (feeling)
۴۵	احساس [حسگانی] (sensitivity, sensation)
۴۶	احساس اخلاقی (moral feeling)
۴۶	احساس خوش (state of joy)
۴۷	احساس والا (sublime feeling)
۴۷	احسان (charity)
۴۷	اختلاس (embezzlement)
۴۷	اختیار (freedom)
۴۸	اختیار استعلایی (transcendental freedom)
۴۹	اختیار قانونی (constitutional freedom)
۴۹	اخلاص (kindheartedness)
۴۹	ادراک حسی (sensation)
۴۹	ادراک ساده (simple perception, apperhension)
۴۹	اراده (will)
۵۰	اراده انسانی (human will)
۵۰	اراده حیوانی (animal will)
۵۰	اراده حیوانی (animal power of choice)

۵۰	 اراده قدسی (holy will)
۵۱	 اراده محض (pure will)
۵۱	 اراده مختار (free will)
۵۱	 اراده مختار، اختیار (Free power of choice)
۵۱	 اراده مطلقاً خیر (absolutely good will)
۵۲	 ارتباط ریاضی و ارتباط دینامیکی (mathematical relation) (dynamical relation)
۵۲	 ازدواج (marriage)
۵۲	 استبداد (despotism)
۵۲	 استدلال قیاسی (argument)
۵۳	 استعداد انسانیت انسان (predisposition to humanity)
۵۳	 استعداد حیوانیت انسان (predisposition to animality in the human being)
۵۳	 استعداد شخصیت انسان (predisposition to personality)
۵۳	 استعلایی (شناخت‌های استعلایی) (transcendental)
۵۴	 استفهام (catechizing)
۵۴	 استقامت [قوانین اخلاقی] (rectitudo)
۵۴	 استقلال خواست [استقلال اراده] (independence of will)
۵۴	 استقلال مدنی [سیاسی] (political independence=civil)
۵۴	 استنتاج بی واسطه (immediate inference)
۵۵	 استمناء (onania)
۵۵	 اشتیاق (zeal)
۵۵	 اشتیاق عملی (practical enthusiasm)
۵۵	 اضطراب (compulsion)
۵۶	 اضطراب اخلاقی (moral compulsion)
۵۶	 اضطراب عاطفی (pathetic compulsion)
۵۶	 اضطراب عملی (practical compulsion)
۵۶	 اعتبار همگانی (general validity)
۵۷	 اعتقاد (conviction)
۵۷	 اعتقاد / ایمان (faith)
۵۷	 اعتقاد یا ایمان اخلاقی و بی اعتقادی اخلاقی (moral belief and moral unbelief)
۵۸	 اغوا (delusion)

۵۸.....	اغواى تعصبى (enthusiasm delusion)
۵۸.....	اغواى حرمت (delusion of honour)
۵۸.....	اغواى خرافى (superstitious delusion)
۵۹.....	اغواى دينى (delusion of religion)
۵۹.....	اغواى عملى (practical delusion)
۵۹.....	اقتدار (authority)
۶۰.....	اقتناع (persuasion)
۶۰.....	التصاق [لازم ذات] (inherence)
۶۰.....	الزام (obligation)
۶۰.....	الزام ايجابى (positive obligation=determinant obligation)
۶۱.....	الزام خارجى (objective obligation=outer obligation)
۶۱.....	الزام داخلى (subjective or inner obligation)
۶۱.....	الزام سلبى (negative obligation)
۶۱.....	الزام طبيعى (natural obligation)
۶۱.....	الزام فعال (active obligation)
۶۲.....	الزام منفعل (passive obligation)
۶۲.....	الهيات اخلاقى (ethicotheology)
۶۲.....	الهيات استعلايى (transcendental theology)
۶۲.....	الهيات طبيعى (natural theology)
۶۲.....	الهيات عقلانى (rational theology)
۶۳.....	الهيات فيزيكى (physicotheology)
۶۳.....	الهيات وحيانى (revelation theology)
۶۳.....	انسان (human)
۶۳.....	انسان دوست (philanthropist)
۶۳.....	انسان شدن (to become human)
۶۴.....	انسان شناسى (anthropology)
۶۴.....	انسان شناسى اخلاقى (moral anthropology)
۶۴.....	انسان شناسى تجربى (empirical anthropology)
۶۴.....	انسان شناسى تعلقى (anthroponomy)
۶۴.....	انسانى شناسى منطقى (anthropological chapters of logic)

- ۶۵..... انسان مداری (anthropomorphism)
- ۶۵..... انصاف (equity)
- ۶۵..... انضباط (discipline)
- ۶۵..... انفعال (passion)
- ۶۵..... انقلاب کوبرنیک کانت (Kant's Copernicus revolution)
- ۶۶..... امکان تعلقات حواس (the possibility of objects of the senses)
- ۶۶..... ایالت (province)
- ۶۷..... ایجاب استعلایی (transcendental affirmation)
- ۶۷..... ایده (idea)
- ۶۷..... ایده آل (ideal)
- ۶۷..... ایده آل خیر اعلی (ideal of the highest good)
- ۶۸..... ایده آل زیبا (beautiful ideal)
- ۶۸..... ایده آل عقل محض (ideal of pure reason)
- ۶۹..... ایدئالیته پدیدارهای بیرونی (ideality of outer appearances)
- ۶۹..... ایده آلیست (idealist)
- ۶۹..... ایده آلیست استعلایی (transcendental idealist)
- ۶۹..... ایده آلیست جزمی (dogmatic idealist)
- ۷۰..... ایده آلیست شکاک (skeptical idealist)
- ۷۰..... ایده آلیسم (idealism)
- ۷۰..... ایده آلیسم استعلایی (transcendental idealism)
- ۷۱..... ایده آلیسم جزمی بارکلی (Dogmatic idealism of Berkeley)
- ۷۱..... ایده آلیسم رویایی (dreaming idealism)
- ۷۱..... ایده آلیسم ظنی دکارت (problematic idealism of Descartes)
- ۷۲..... ایده آلیسم غایات طبیعی (idealism of physical ends)
- ۷۲..... ایده آلیسم غایت مندی صدفه (accidental idealism of finality)
- ۷۲..... ایده آلیسم غایت مندی قدرت (fatal idealism of finality)
- ۷۲..... ایده آلیسم مادی (material idealism)
- ۷۲..... ایده اختیار (idea of freedom)
- ۷۳..... ایده زیباشناختی (aesthetical idea)
- ۷۳..... ایده های استعلایی (transcendental ideas)

۷۳.....	ایده‌های زیبا شناختی (aesthetical ideas)
۷۴.....	ایده‌های عقلی (rational ideas)
۷۴.....	ایده یا اندیشه [عملی]
۷۴.....	ایمان (گرویدن) (Faith)
۷۴.....	ایمان دینی خالص (pure religious faith)
۷۵.....	ایمان سادت بخش (saving faith)
۷۵.....	ایمان کلیسایی (ecclesiastical faith)
۷۵.....	ایمان بنودوری (هم سنخ با ایمان کلیسایی) (slavish faith)
۷۵.....	اصول (principles)
۷۵.....	اصول بومی (domestic principles)
۷۶.....	اصل یگانه (foreign principles)
۷۶.....	اصول پویا، مبادی پویا (dynamical principles)
۷۶.....	اصول تالیفی مقدم بر تجربه (a priori synthetic principles)
۷۶.....	اصول تجربی (empirical principles)
۷۶.....	اصول تجربی (empirical principles)
۷۷.....	اصول داوری و حکم (principles of judgement)
۷۷.....	اصول ریاضی، مبادی ریاضی (mathematical principles)
۷۷.....	اصول عقلانی (rational principles)
۷۷.....	اصول عقلانی بیرونی یا خارجی (external intellectual principles)
۷۷.....	اصول عقلانی درونی (inner intellectual principles)
۷۸.....	اصول عملی (practical principles)
۷۸.....	اصول عملی مادی (material practical principles)
۷۸.....	اصول فاهمه محض (principles of pure understanding)
۷۸.....	امور مربوط به اعتقاد (things of faith)
۷۸.....	امور مربوط به عقیده (things of opinion)
۷۹.....	امور واقع (things of fact)
۷۹.....	با استطاعت (man of means)
۷۹.....	بایسته (imperative)
۸۰.....	بایسته فرضی (hypothetical imperative)
۸۰.....	بایسته قطعی [تاکیدی] (categorical imperative)

- ۸۰..... (skill imperative) [مهارتی] بایسته کارآزمودگی
- ۸۰..... (Fetish- Faith) بت پرستی
- ۸۱..... (malevolence) بدخواهی
- ۸۱..... (external equality) [حقوقی] برابری و مساوات بیرونی
- ۸۱..... (supremum / supreme) برتر
- ۸۱..... (object) برون ذات
- ۸۲..... (demonstration) برهان
- ۸۲..... (insight) بصیرت
- ۸۲..... بنیاد ما بعد الطبیعه اخلاقی
- ۸۲..... (subjective basis) بنیاد ذهنی
- ۸۲..... (unbelieving person) بی اعتقاد (شخص بی اعتقاد)
- ۸۳..... (religious unbelief) بی اعتقادی دینی
- ۸۳..... (interruption of dogmatic slumber) بیداری از خواب جزمی
- ۸۴..... (moral innocence) بی گناهی اخلاقی
- ۸۴..... (needy) بینوا
- ۸۴..... (persistence) [پایداری] پابندگی
- ۸۴..... (pathologic) پاتولوژیک
- ۸۴..... (reward) پاداش
- ۸۵..... (auctorantia praemia) پاداش پیمانی
- ۸۵..... (remunerantia praemia) پاداش جبرانی
- ۸۵..... (appearance) پدیدار
- ۸۵..... (apperances) پدیدارها
- ۸۶..... (phenomenon) پدیده
- ۸۶..... (culture) [فرهنگ] پرورشی
- ۸۶..... (illusion) [فراتمود] پندار
- ۸۷..... (logical illusion) پندار منطقی
- ۸۷..... (notion) پنداره
- ۸۷..... (money) پول
- ۸۷..... (following) پیروی
- ۸۸..... (to follow the practical reason) [عملی] پیروی از عقل

۸۸.....	پیش‌یابی [پیش‌نگرش] (anticipation)
۸۸.....	پیش‌یابی استثنایی (exceptional [or unusual] anticipation)
۸۸.....	پیش‌یابی‌های پدیدارها (anticipations of appearances)
۸۸.....	پیشینی (a priori)
۸۹.....	پیوند علی (causal combination)
۸۹.....	پیوند علی علل غایی (nexus finalis)
۸۹.....	پیوند علی علل فاعلی (nexus effectivus)
۹۰.....	تأثر حسی (organic sensation)
۹۰.....	تأدب (courtesy)
۹۰.....	تأدیب (breeding or chastening)
۹۰.....	تأمل (deliberation or reflection)
۹۱.....	تأمل استعلایی (transcendental deliberation)
۹۱.....	تأمل منطقی (logical reflection or logical deliberation)
۹۱.....	تأیید خویش [خود تصدیق] (self-approbation)
۹۲.....	تئیسیم (theism)
۹۲.....	تجربه (experience)
۹۳.....	تحسین (admiration)
۹۴.....	تحلیل استعلایی (transcendental analysis)
۹۴.....	تحلیل اصول، تحلیل مبادی (analytic of principles)
۹۴.....	تحلیل مفاهیم (analytic of concepts)
۹۵.....	تخلف (transgression)
۹۵.....	تداعی تصوورها (association of presentations)
۹۵.....	تربیت (education or training)
۹۵.....	تربیت اخلاقی (moral training)
۹۵.....	تربیت عملی (practical training)
۹۶.....	ترکیب، سنتز (synthesis)
۹۶.....	ترکیب استعلایی فوه تخیل (transcendental synthesis of imagination)
۹۶.....	ترکیب ادراک ساده (synthesis of apprehension)
۹۷.....	ترکیب فاهمه‌ای (combination of understanding)
۹۷.....	ترکیب قه‌غرای (regressive synthesis)

۹۷	ترکیب مترقی (progressive synthesis)
۹۷	ترکیب مجازی (figurative synthesis)
۹۸	ترکیب محض (pure synthesis)
۹۸	تساوی فطری (innate equality)
۹۸	تساوی مدنی (civil equality)
۹۸	تصادفی (contingent)
۹۹	تصرف (occupancy)
۹۹	تصویرات (representations)
۹۹	تصویرات محض (pure representations)
۹۹	تصور مربوط به جهان (cosmological idea)
۹۹	تصویر حسی (sensible image)
۹۹	تضاد در جامعه بشری (contrast)
۱۰۰	تعارض‌های ریاضی (mathematical antinomies)
۱۰۰	تعجب (wonder)
۱۰۰	تعریف کردن (to define)
۱۰۰	تعصب (fanaticism)
۱۰۱	تعصب اخلاقی (moral fanaticism)
۱۰۱	تعصب دینی (religious fanaticism)
۱۰۲	تعییب (imputation)
۱۰۲	تعلیم حق [قضا] (science of right)
۱۰۲	تعمین نام (thoroughgoing determination)
۱۰۲	تغییر (change)
۱۰۲	تفاوت والا و زیبا (sublime and beauty)
۱۰۳	تقابل تحلیلی (analytical opposition)
۱۰۳	تقابل دیالکتیکی (dialectical opposition)
۱۰۳	تقصیر (demerit)
۱۰۴	تکامل طبیعی (physical perfection)
۱۰۴	تکبر (superbia or arrogance)
۱۰۴	تکلیف (abligation)
۱۰۴	تکلیف الزامی (positive obligation)

۱۰۵	(allness or totality).....	تمامیت
۱۰۵	(inclination).....	تمایل
۱۰۵	(natural propensity of the human being to evil).....	تمایل طبیعی انسان به شرارت
۱۰۶	(analogy).....	تمثیل
۱۰۶	(ideal acquisition).....	تملک آرمانی
۱۰۶	(distinction).....	تمیز
۱۰۶	(moral admonition).....	تنبيه اخلاقی
۱۰۷	(transcendental deduction of concepts).....	تفصیح مناط استعلایی مفاهیم
۱۰۷	(empirical deduction).....	تفصیح مناط تجربی
۱۰۷	(humility).....	تواضع
۱۰۷	(modesty).....	تواضع
۱۰۸	(rich).....	توانگر
۱۰۸	(edification).....	تهذیب
۱۰۸	(well-to-do).....	ثروتمند
۱۰۸	(Sorcery).....	جادو
۱۰۹	(civil society or community).....	جامعه مدنی
۱۰۹	[سنجش خرد ناب].....	جامعیت نقد عقل محض
۱۰۹	(ambition).....	جاء طلبی
۱۰۹	(arrogance).....	جاء طلبی
۱۱۰	(transcendental topic).....	جدل استعلایی
۱۱۰	(crime).....	جرم
۱۱۰	(strafe).....	جزا
۱۱۱	(Dogmatism).....	جزم گروی
۱۱۱	(metaphysical dogmatism).....	جزم گروی متافیزیکی
۱۱۱	(body).....	جسم
۱۱۱	(intercommunity).....	جماع [جمع شدن جنسی]
۱۱۲	(republic).....	جمهوری
۱۱۲	(republicanism).....	جمهوریت
۱۱۲	(highest genus, highest of all genera).....	جنس عالی [برترین جنس]
۱۱۲	(substance).....	جوهر

۱۱۳	جوهر مرکب (composite substance)
۱۱۳	جهان (world, universe)
۱۱۴	جهان اخلاقی (moral world)
۱۱۴	جهان مادی (corporeal world)
۱۱۴	چاپ (edition)
۱۱۴	چاپداری (servility)
۱۱۴	حرفه (craft)
۱۱۵	حسن اخلاقی (moral feeling)
۱۱۵	حسن انتقام کسی (desire for revenge)
۱۱۵	حسن بیرونی (outer sense)
۱۱۵	حسن درونی (inner sense)
۱۱۶	حسن مشترک (common sense)
۱۱۶	حسد (jealousy)
۱۱۶	حسد بارز (envy proper)
۱۱۶	حسگانی [حساسیت] (sensitivity)
۱۱۷	حسن شناسی [حسیک] (aesthetic)
۱۱۷	حسن شناسی استعلایی (transcendental aesthetic)
۱۱۷	حساسیت و فهم (sensitivity and understanding)
۱۱۸	حضور قلب (presence of mind)
۱۱۸	حق (right)
۱۱۹	حقیقت (truth)
۱۱۹	حق اجرا (execution right)
۱۱۹	حق امتناع (complexus prohibitorum)
۱۱۹	حق به شخص (همچون حق به شیء) (right in a person)
۱۲۰	حق به یک شیء (right in a thing)
۱۲۰	حق تملکی [حق اکتسابی] (acquired right)
۱۲۰	حق شناسی (gratitude)
۱۲۰	حق عمومی (public right)
۱۲۱	حق فطری (innate right)
۱۲۱	حق قطعی (strict right)

۱۲۱	حق مجازات (right of punishing)
۱۲۱	حقوق بین الملل (cosmopolitical or universal right)
۱۲۲	حکم (judgment)
۱۲۲	حکم تالیفی/توسیعی (synthetic/ampliative judgement)
۱۲۲	حکم تحلیلی/توضیحی (analytic/explicative judgement)
۱۲۳	حکم ذوقی (judgement of taste)
۱۲۴	حکم ذوقی محض (pure judgement of taste)
۱۲۴	حکم زیباشناختی (aesthetic judgement)
۱۲۴	حکمت (wisdom)
۱۲۴	حکومت [دولت] (state government)
۱۲۵	حکومت استبدادی (despotic government)
۱۲۵	حکومت پدرسالاری (paternal government)
۱۲۵	حکومت وطن دوست (patriotic government)
۱۲۵	حیات (life)
۱۲۵	حیز استعلایی (transcendental location)
۱۲۶	حیز منطقی (logical location)
۱۲۶	خدا (God)
۱۲۶	خداپرست تشرعی (theist)
۱۲۶	خودآگاهی (self-consciousness)
۱۲۷	خودآگاهی استعلایی (transcendental apperception)
۱۲۷	خودانگیختگی مفهومها (spontaneity in the production of concepts)
۱۲۷	خودشناسی خرد [عقل] (reason self-cognition)
۱۲۷	خدمت به خدا (service of God)
۱۲۸	خدمت نامرئی (invisible service) (service of the heart)
۱۲۸	خرافه (superstition)
۱۲۸	خرافه دینی (religion superstition)
۱۲۹	خرسندی از خویش (self-contentment)
۱۲۹	خرسندی محسوس (sensible or aesthetic contentment)
۱۲۹	خرسندی معقول (intellectual contentment)
۱۳۰	خست [بخل] (avarice)

۱۳۰	خطا [اندیشه خطا] (wrongful).....
۱۳۰	خطا [کار خطا] (fault).....
۱۳۰	خطابه (rhetoric).....
۱۳۰	خنده (laugh).....
۱۳۱	خواست [اراده] (will).....
۱۳۱	خواست (wish).....
۱۳۱	خواست مقدس [اراده مقدس] (holy will).....
۱۳۱	خودآیی اراده (autonomy of the will).....
۱۳۱	خودپرویی [عنايت به خود] (favour to oneself).....
۱۳۲	خودپسندی (self-concern).....
۱۳۲	خودپسندی (self-loving).....
۱۳۲	خودخواهی (selfishness).....
۱۳۲	خودخواهی [خودگروی] (egoism).....
۱۳۲	خودخواهی [عدم تواضع] (self-loving).....
۱۳۳	خودداری [تسلط بر خود] (self-mastery).....
۱۳۳	خود دوستی (self-love).....
۱۳۳	خود دوستی عقلانی (rational self-love).....
۱۳۳	خود ستایی (self-praise).....
۱۳۴	خودکشی (murdering oneself).....
۱۳۴	خود گرایی اخلاقی (moral self-loving).....
۱۳۴	خود مدار (solipsist).....
۱۳۴	خود مداری اخلاقی (solipsism).....
۱۳۵	خوشبختی (happiness).....
۱۳۵	خیر (good).....
۱۳۶	خیر اخلاقی (moral good).....
۱۳۶	خیر اعلاء (summum bonum).....
۱۳۶	خیر اعلای مخلوق (highest created good).....
۱۳۷	خیر بنیادی (fundamental good).....
۱۳۷	خیر خواهی (beneficence).....
۱۳۷	خیر ذاتی (good in itself).....

۱۳۷		خیر ظنی (problematic good)
۱۳۷		خیر عملی (practical good)
۱۳۸		خیر فی نفسه (good in itself)
۱۳۸		خیریه [موسسه خیریه] (foundation)
۱۳۸		خیریه ماندگار (perpetual foundation)
۱۳۸		دادگاه مراجع (forum)
۱۳۸		دارایی (property)
۱۳۹		دانش [دانش] (knowledge)
۱۳۹		دانش صوری [منطق] (formal knowledge / logic)
۱۳۹		دانش طبیعی (natural science)
۱۳۹		دانش مادی (material knowledge)
۱۳۹		دئیسم (Deism)
۱۴۰		درونگان [امر درونی و ذاتی] (the intrinsic)
۱۴۰		دروغ گویی (lying)
۱۴۰		دریافت حسی (perception)
۱۴۰		دستور [قانون عینی] (precept)
۱۴۰		دستور قاعده عملی (imperative)
۱۴۱		دستور مطلق (categorical imperative)
۱۴۱		دستورهای ظنی (problematic precept)
۱۴۱		دعا و نیایش (prayer)
۱۴۱		دگرآیینی انتخاب (heteronomy of the elective will)
۱۴۲		دلیل‌های شنیداری [سماعی] (acroamatic or discursive proofs)
۱۴۲		دوستی (friendship)
۱۴۲		دوستی اخلاقی (moral friendship)
۱۴۲		دوگروری [دونالیسم، ثنویت] (dualism)
۱۴۳		دیالکتیک استعلایی (transcendental dialectic)
۱۴۳		دیالکتیک منطقی (logical dialectic)
۱۴۴		دیرباوری (to be incredulous)
۱۴۴		دیگر آیینی (heteronomy)
۱۴۴		دین (religion)

۱۲۵	دینداری [دیانت] (piety)
۱۲۵	دین خالص (pure religion)
۱۲۵	دین طبیعی (natural religion)
۱۲۵	دین طلب رحمت (religion of rogation)
۱۲۶	دین مخلوط (mixed religion)
۱۲۶	دین مسیحی یا ایمان مسیحی (Christian Faith) (Christian religion)
۱۲۶	دین وحیانی (revealed religion)
۱۲۶	دین (due)
۱۲۶	دیوان حقوقی (judges)
۱۲۷	ذات معقول، به معنای مثبت [ایجابی] (noumenon in the positive meaning)
۱۲۷	ذات معقول، به معنای منفی [سلبی] (noumenon in the negative meaning)
۱۲۷	ذاتهای معقول [معقولات نومن‌ها] (noumena)
۱۲۸	ذوق (taste)
۱۲۸	ذوق تأملی (taste of reflection)
۱۲۹	ذوق حسی (taste of sense)
۱۲۹	راست شماردن [تصدیق] (assent)
۱۲۹	راهنمایی (guidance)
۱۲۹	رنالیسم استعلایی (transcendental realist)
۱۵۰	رنالیسم استعلایی (transcendental realism)
۱۵۰	رنالیسم غایات طبیعی (realism of physical ends)
۱۵۰	رئیس دولت (governor of state)
۱۵۰	رنالیسم غایت مندی فرافیزیکی (hyperphysical realism of finality)
۱۵۱	رنالیسم غایت مندی فیزیکی (physical realism of finality)
۱۵۱	ریط [همبستگی] (combination)
۱۵۱	رحمت [تفضل] (grace)
۱۵۲	رخوت (flabbiness)
۱۵۲	رذیلت (vice)
۱۵۲	رذیلت شیطانی (devilish wickedness)
۱۵۲	رسوایی پذیرفتگی (accepta scandala)
۱۵۳	رسوایی دادگی (data scandala)

۱۵۳	 (ill- feeling) رشک
۱۵۳	 (self- conceit) رضایت طبع (خودبینی)
۱۵۳	 (moral= ethical behaviour) رفتار اخلاقی
۱۵۳	 (religious behaviour) رفتار دینی
۱۵۴	 (emulating jealousy) رقابت و هم چشمی
۱۵۴	 (psychology) روان شناسی
۱۵۴	 (empirical psychology) روان شناسی تجربی
۱۵۴	 (یا شناخت (یا منطق کاربردی) روان شناسی تجربی ادراک
۱۵۵	 (rational psychology) روان شناسی عقلی
۱۵۵	 (psychological chapters of logic) روان شناسی در منطق
۱۵۵	 (soul) روح [روان]
۱۵۵	 (spirit of prayer) روح عبادت
۱۵۶	 (erotetic method) روش اروتیک [استفهام انکاری]
۱۵۶	 (transcendental doctrine of method) روش شناسی استعلایی
۱۵۶	 (skeptical method) روش شک گرایانه
۱۵۶	 (enlightenment) روشن نگری
۱۵۷	 (Wolf's method) روش ولف (کریستیان ولف)
۱۵۷	 (methodology doctrine of the method) روش شناسی عقل عملی محض
۱۵۷	 (Socratic dialogue) روش گفتگوی سقراطی
۱۵۷	 (hypocrisy) ریاکاری
۱۵۸	 (mathematics) ریاضیات
۱۵۸	 (pure mathematics) ریاضیات محض
۱۵۸	 (pure mathematics) ریاضیات ناب
۱۵۸	 (mathemata) ریاضیه
۱۵۸	 (time) زمان
۱۵۹	 (beautiful) زیبا
۱۶۰	 (beauty) زیبایی
۱۶۰	 (free beauty) زیبایی آزاد
۱۶۰	 (natural beauty) زیبایی طبیعی
۱۶۱	 (dependent beauty) زیبایی مقید

۱۶۱	(republican constitution) ساختار جمهوری
۱۶۱	(architectonic) ساختمان معماری
۱۶۱	(construct a concept) [بنا کردن] مفهوم
۱۶۲	(pious simplicity) سادگی دینی
۱۶۲	(simple) ساده [بسیط]
۱۶۲	(indulgent man) سازگار (سازشکار)
۱۶۲	(worship/ prayer/praise of God) [عبادت] عبادت
۱۶۲	(humiliation / self-depreciation) سرانگندگی (تحقیر عقلانی)
۱۶۳	(fatherland) [وطن] سرزمین پدری
۱۶۳	(fate) [تقدیر] سرنوشت
۱۶۳	(happiness) سعادت
۱۶۴	(negation) [نفی] سلب
۱۶۴	(transcendental negation) سلب استعلایی
۱۶۴	(positive benefit) سود مثبت سنجش خردناب
۱۶۴	(negative benefit) سود منفی سنجش خرد ناب
۱۶۵	(official oath) سوگند رسمی
۱۶۵	(schema) شاکله
۱۶۶	(transcendental schema) شاکله استعلایی
۱۶۶	(schema of relation) شاکله اضافه یا نسبت
۱۶۶	(schema of possibility) شاکله امکان
۱۶۶	(schema of substance) شاکله جوهر
۱۶۷	(schema of modality) شاکله جهت
۱۶۷	(schematism of the pure understanding) شاکله سازی فاهمه محض
۱۶۷	(schema of necessity) شاکله ضرورت
۱۶۷	(schema of the cause) شاکله علت
۱۶۷	(schema of quantity or magnitude) شاکله کمیت
۱۶۸	(schema of quality) شاکله کیفیت
۱۶۸	(schema of community or reciprocity) شاکله مشارکت
۱۶۸	(pure schema of magnitude [=quantity]) شاکله محض کمیت
۱۶۸	(schema of the concepts of pure understanding) شاکله مفاهیم محض فهم

۱۶۸	شاکله مفهوم حسى (schema of sensible concepts)
۱۶۹	شاکله واقعیت (schema of reality)
۱۶۹	شان اخلاقى (morality)
۱۶۹	شان حقوقى (legality)
۱۶۹	شان و جایگاه متافیزیک (the rank of metaphysics)
۱۷۰	شجاع (brave)
۱۷۰	شجاعت (fortitude)
۱۷۰	شخص [فاعل اخلاقى و حقوقى] (person)
۱۷۰	شخصیت (personality)
۱۷۱	شخصیت اخلاقى (moral personality)
۱۷۱	شخصیت روانى (psychological personality)
۱۷۲	شخصیت مستحسن (good personality)
۱۷۲	شر (evil)
۱۷۲	شر اخلاقى (moral evil)
۱۷۲	شرارت [فساد قلب انسانى] (depravity= corruption of the human heart)
۱۷۳	شرارت (malice)
۱۷۳	شرافت (honour)
۱۷۳	شر بنیادى فطرى (radical innate evil)
۱۷۳	شرح استعلاى (transcendental exposition)
۱۷۳	شرح متافیزیکی (metaphysical exposition)
۱۷۴	شرف (dignity)
۱۷۴	شعر (poetry)
۱۷۴	شناخت استعلاى (transcendental cognition)
۱۷۵	شناخت بر پایه اصلها (cognition from principles)
۱۷۵	شناخت پیشین [ماتقدم] (a priori cognition)
۱۷۵	شناخت پیشین محض (pure apriori cognition)
۱۷۵	شناخت تاریخی (historical cognition)
۱۷۵	شناخت تعقلی (rational cognition)
۱۷۶	شناخت ریاضى (mathematical knowledge)
۱۷۶	شناخت ریاضى (mathematical cognition)

۱۷۶	شناخت عقلی ماتقدم (a priori rational cognition)
۱۷۶	شناخت فلسفی (philosophical cognition)
۱۷۷	شناخت‌های پسین (اندوم) (a posteriori cognitions)
۱۷۷	شناخت‌های پیشین (a priori cognitions)
۱۷۷	شناخت محض فهم (pure cognition of understanding)
۱۷۸	شناخت ناب و شناخت مطلقاً ناب (pure cognition)
۱۷۸	شناخت نظری خرد و شناخت عملی خرد
۱۷۸	شهود (intuition)
۱۷۹	شهود اشتقاقی و شهود آغازین
۱۷۹	شهود تجربی (empirical intuition)
۱۷۹	شهود محض (pure intuition)
۱۸۰	شهود و مفاهیم محض (pure intuition and understanding)
۱۸۰	شهود و مفاهیم تجربی (empirical intuition and understanding)
۱۸۰	شور (enthousiasm)
۱۸۰	شهروندان حکومت (state citizens)
۱۸۱	شهوت (concupiscence)
۱۸۱	شهود (intuition)
۱۸۱	شهود تجربی (empirical intuition)
۱۸۱	شهود محض (pure intuition)
۱۸۲	شهودهای حسی (sensible intuitions)
۱۸۲	شیاد (rascal)
۱۸۲	شیء
۱۸۲	شیء معلق (res iacens)
۱۸۲	صبور (tolerant)
۱۸۳	صدقه (charity)
۱۸۳	صَرفه [علاقه] (interest)
۱۸۳	صرفه‌جویی (thrif)
۱۸۳	صفات (زیباشناختی) یک عین (attributes of an object)
۱۸۳	صفت فرشتگی [فرشته صفتی] (angelic man)
۱۸۴	صلح‌جو (peaceable man)

۱۸۴	صلح طلب (peacable)
۱۸۴	صورت (form)
۱۸۴	صورت پدیدار (form of appearance)
۱۸۴	صورت حساسیت (form of sensibility)
۱۸۵	صورت حکم (judgment's form)
۱۸۵	صورت خیالی (image)
۱۸۵	صورت عملی محض (pure practical form)
۱۸۵	صورت محض (pure form)
۱۸۵	ضد بشر (misanthropist)
۱۸۶	ضرورت (necessity)
۱۸۶	ضرورت اخلاقی (ethical necessity)
۱۸۶	ضرورت برون ذاتی (objective necessity)
۱۸۶	ضرورت حقوقی (juridical necessity)
۱۸۶	ضرورت درون ذاتی (subjective necessity)
۱۸۷	ضرورت طبیعی (physical or natural necessity)
۱۸۷	ضرورت طبیعی (natural necessity)
۱۸۷	ضرورت عملی (practical necessity)
۱۸۷	ضرورت مطلق حکم (absolute necessity of judgments)
۱۸۸	ضروری (necessary)
۱۸۸	ضعف طبیعت انسان (weakness of human nature)
۱۸۸	طبیعت (nature)
۱۸۹	طبیعت [طبیعت انسان به روایت کلیسا] (nature)
۱۸۹	طبیعت فوق محسوس (supersensible nature)
۱۹۰	طبیعی مذهب (naturalist)
۱۹۰	ظلم (unjust)
۱۹۰	عادت (habit)
۱۹۰	عاطفه [احساساتی شدن] (emotion)
۱۹۰	عاطفه (feeling)
۱۹۰	عالم مثال (archetypal world)
۱۹۱	عالم (جهان) معقول (intelligible world)

۱۹۱	عالم ممثل (ectypal world)
۱۹۱	عامل دولت [مدیر حکومت] (agent of state)
۱۹۲	عبادت [نیايش] (worship)
۱۹۲	عبادت خصوصى (private prayer)
۱۹۲	عبادت قلبى (pure spirit of prayer = hear prayer)
۱۹۲	عبادت لفظى (verbal prayer)
۱۹۳	عبادت والى (true service of God)
۱۹۳	عدالت عمومى (public justice)
۱۹۳	عدد (number)
۱۹۳	عدل (just)
۱۹۳	عرض (accident)
۱۹۴	عشق (love)
۱۹۴	عشق اراده خیر (love to good will)
۱۹۴	عشق خوش آید (pleasant love)
۱۹۴	عشق عملى به خدا (practical love to God)
۱۹۴	عظیم (colossal)
۱۹۵	عقد اجاره (contract of hiring)
۱۹۵	عقد عاریه (contract of loan)
۱۹۵	عقد وکالت (contract of mandate)
۱۹۵	عقد هبه (contract of donation)
۱۹۶	عقل [خرد] (reason)
۱۹۶	عقل سلیم (common sense)
۱۹۷	عقل عملى (practical reason)
۱۹۷	عقل کاهل (lazy reason)
۱۹۷	عقل محض (pure reason)
۱۹۸	عقل محض نظرى (theoretical pure reason)
۱۹۹	عقل نقاد یا نظرى (critical or speculative reason)
۱۹۹	عقل نظرى (speculative reason)
۱۹۹	عقلی مذهب (rationalist)
۱۹۹	عقلی مذهب ناب (pure rationalist) (moral interest)

۱۹۹	 عقیده داشتن [گمان و رای] (opinion)
۲۰۰	 عقیده عملگرایانه (pragmatic belief)
۲۰۰	 علاقه (interest)
۲۰۰	 علاقه اخلاقی (moral interest)
۲۰۱	 علاقه تجربی (empirical interest)
۲۰۱	 علاقه منطقی خرد (logical interest of reason)
۲۰۱	 علاقه ناب (pure interest)
۲۰۱	 علت (cause)
۲۰۲	 علت طبیعی (natural cause)
۲۰۲	 علم (science)
۲۰۲	 علم حقوق (science of right)
۲۰۳	 علم طبیعی (natural science)
۲۰۳	 علم طبیعی عام (general natural science)
۲۰۳	 علوم عملی (practical science)
۲۰۳	 علوم نظری (theoretical science)
۲۰۳	 علّیت (causality)
۲۰۴	 علّیت بر طبق طبیعت (causality according to nature)
۲۰۴	 عمل ستوده (ممدوح) (meritorious)
۲۰۴	 عوامل محرک درون ذهنی (factors of subjective motif)
۲۰۴	 عیاشی (luxury)
۲۰۴	 عین زیبا (beautiful object)
۲۰۵	 عین غایت‌مند (teleological object)
۲۰۵	 غایات طبیعی (natural ends or natural purposes)
۲۰۵	 غایت (end)
۲۰۶	 غایت ایزه "عین" [purpose (end) of object]
	غایت بر حسب تعینات استعلایی اش (end [=purposiveness] in terms of its transcendental)
۲۰۶	 (determinations)
۲۰۶	 غایت بیرون ذهنی (objective end)
۲۰۶	 غایت فصولا (ultimate end)
۲۰۶	 غایت مندی (finality)

۲۰۷		غایت مندی بیرونی (extrinsic finality)
۲۰۷		غایت مندی درونی (intrinsic finality)
۲۰۷		غایت مندی صورت عین [اثر] (purposiveness [finality] of the object form)
۲۰۷		غایت مندی طبیعت (of nature purposiveness[finality])
۲۰۸		غایت نهایی (final end)
۲۰۸		غبطه [حسد غبطه آمیز] (envy)
۲۰۸		غرور [خودپسندی] (pride)
۲۰۹		غریزه (instinct)
۲۰۹		غسل تعمید (baptism)
۲۰۹		غنی (rich)
۲۰۹		غول آسا (monstrous)
۲۰۹		فاهمه (understanding)
۲۱۰		فاهمه [فهم] (understanding)
۲۱۱		فاهمه محض [فهم ناب] (pure understanding)
۲۱۱		فاهمه نظری (theoretical understanding)
۲۱۱		فتوی (saying)
۲۱۱		فرضیه (hypothesis)
۲۱۲		فرمان (command)
۲۱۲		فروتنی (abasement)
۲۱۲		فرومایه (worthless)
۲۱۲		فضیلت (virtue)
۲۱۳		فضیلت پدیداری (virtue of appearance)
۲۱۴		فضیلت تکبر (moral arrogance)
۲۱۴		فضیلت ذاتی (virtus phaenomenon)
۲۱۴		فضیلت قانونی (lawful virtue)
۲۱۴		فعل الزام آور (obligative action)
۲۱۴		فقیر (poor)
۲۱۵		فکر کردن (thinking)
۲۱۵		فلسفه (Philosophy)
۲۱۵		فلسفه اخلاق (moral philosophy)

۲۱۶	 فلسفه اخلاق [هنجاری] (philosophy of ethics)
۲۱۶	 فلسفه استعلایی (transcendental philosophy)
۲۱۷	 فلسفه تجربی (empirical philosophy)
۲۱۷	 فلسفه تعریفی (philosophia definitiva)
۲۱۷	 فلسفه عملی (practical philosophy)
۲۱۸	 فلسفه فضیلت (philosophy of virtue)
۲۱۸	 فلسفه محض (pure philosophy)
۲۱۹	 فلسفه نظری (theoretical philosophy)
۲۱۹	 فن [تکنیک] (technic)
۲۱۹	 فن غیر قصدی (undesigned technic)
۲۱۹	 فن قصدی (designed technic)
۲۱۹	 «فوق طبیعی مذهب» باب (pure supernaturalist)
۲۲۰	 فهم محض (pure understanding)
۲۲۰	 فیزیک [نظری] (physics)
۲۲۰	 فیزیک عقلی (rational physics)
۲۲۰	 فیزیک محض (pure physics)
۲۲۱	 فیلسوف عمل (philosopher of action)
۲۲۱	 قابلیت (potentiality)
۲۲۱	 قاضی (judge)
۲۲۱	 قاعده (formula)
۲۲۲	 قاعده عملی (practical rule)
۲۲۲	 قانون (law)
۲۲۲	 قانون [درعالم حکم] (law)
۲۲۲	 قانون [درعالم زیان] (nomos)
۲۲۲	 قانون اخلاقی [قانون آیینهای اخلاقی] (moral law)
۲۲۳	 قانون استعلایی تخصیص (transcendental law of specification)
۲۲۳	 قانون بنیادین عقل عملی محض (fundamental law of the pure practical reason)
۲۲۴	 قانون تقسیم طبیعت به انواع (law of specification of nature)
۲۲۴	 قانون تکلیف (law of duty)
۲۲۴	 قانون عملی (practical law)

۲۲۵	 قانون فهم عملی (law of prudence)
۲۲۵	 قانون فیزیکی (physical law)
۲۲۵	 قانون قداست (law of holiness)
۲۲۵	 قانون قرابت مفهومها [اصل پیوستاری و اتصال صورتها]
۲۲۶	 قانون گذار (lawgiver/ legislator)
۲۲۶	 قانونمندی (legality)
۲۲۶	 قدرت (power / might)
۲۲۶	 قدرشناسی (appreciativeness)
۲۲۷	 قرابت پدیدارها (appearances affinity)
۲۲۷	 قرابت کثرت (manifold's affinity)
۲۲۷	 قرارداد (contract)
۲۲۷	 قرارداد اجرت (contract of letting of work on hire)
۲۲۷	 قرارداد اولیه (original contract)
۲۲۸	 قرض (loan)
۲۲۸	 قضاوت (judicial function)
۲۲۸	 قضایای اتحادی (identical proposition)
۲۲۸	 قضایای تحلیلی (analytic judgements)
۲۲۹	 قضایای ترکیبی (synthetical judgements)
۲۳۰	 قضایای عینی یا تجربی (empirical judgements)
۲۳۰	 قضایای فنی (technical proposition)
۲۳۰	 قضیه استعلایی (transcendental proposition)
۲۳۱	 قضیه پیشین یا ماتقدم (a priori judgement)
۲۳۱	 قطعیت سنجش خردناب (نقد عقل محض) (certainty of critique of pure reason)
۲۳۱	 قوا و استعدادهای فطری [ونه تصورات فطری] (innate faculty and potentiality)
۲۳۲	 قواعد ذهنی یا دستور (maxim)
۲۳۳	 قواعد عینی یا قوانین (laws)
۲۳۳	 قواعد مقدم بر تجربه (a priori rules)
۲۳۴	 قوانین اخلاقی (ethical laws)
۲۳۴	 قوانین اثباتی (positive laws)
۲۳۴	 قوانین خارجی (external laws)

۲۳۲	قوانین دینامیکی (dynamical rules)
۲۳۵	قوانین طبیعی (natural laws)
۲۳۵	قوانین قضایی (juridical laws)
۲۳۵	قوای ذهنی (powers of soul)
۲۳۵	قوای روحی (powers of spirit)
۲۳۶	قوة تخیل (imagination)
۲۳۶	قوة تخیل بازآزانه (reproductive imagination)
۲۳۶	قوة تخیل تولیدی (productive imagination)
۲۳۶	قوة تمایل (faculty of desire)
۲۳۷	قوة حاکمه (judgement faculty of)
۲۳۷	قوة حاکمه استعلایی (transcendental judgement faculty of)
۲۳۷	قوة حاکمه تأملی (reflective judgement faculty of)
۲۳۸	قوة حاکمه تعیینی (faculty of determinant judgement)
۲۳۹	قوة حاکمه زیباشناختی (power of aesthetic judgement)
۲۳۹	قوة حاکمه غایت شناختی (power of teleological judgement)
۲۳۹	قوة حکم (قوة تصدیق) (power of judgment)
۲۴۰	قوة رضایت به فعل یا ترک (power of acting or not acting according to liking)
۲۴۰	قوة شهود حسی (power of sensible intuition)
۲۴۰	قوة متخیله خلاق (creative imagination faculty of)
۲۴۰	قوة نتیجه گرفتن [از طریق صغری، کبری و نتیجه] (power to infer)
۲۴۱	قهر (domination)
۲۴۱	قیاس عقلی (inference of reason, syllogism)
۲۴۱	قیمومت (mandate)
۲۴۱	کار (work)
۲۴۱	کائن اعلا [موجود برترین، برترین هستمند] (supreme being)
۲۴۲	کائن اصلی [مبدأ نخستین، نخست هستمند] (original being)
۲۴۲	کائن کائنها [هستمند همه هستمندها] (being of all beings)
۲۴۲	کاربرد جدلی عقل محض [پاد-ارتیکانه خردناب] (pure reason's polemic use)
۲۴۲	کاربرد خرد در رابطه با صورت شهود [سهش]
۲۴۳	کاربرد خرد در رابطه با ماده شهود [سهش]

۲۴۳	 کاربرد خصوصی عقل (private use of one's reason)
۲۴۳	 کاربرد عمومی عقل (practical use of reason)
۲۴۳	 کاربرد عملی عقل (practical use of reason)
۲۴۴	 کاربرد فرضی عقل (hypothetical use of reason)
۲۴۴	 کاربرد نظری عقل (theoretical use of reason)
۲۴۵	 کاربرد قطعی عقل (apodeictic use of reason)
۲۴۵	 کاربرد استدلالی قوه تخیل
۲۴۵	 کاربرد حکم حملی [مقوله‌ای، مقولی]
۲۴۵	 کاربرد منطقی احکام (the logical function of judgments)
۲۴۶	 کار مجاز (permitted)
۲۴۶	 کامل (در حوزه کلی‌ها) (perfect)
۲۴۶	 کامیابی منطق (success of logic)
۲۴۶	 کتاب (book)
۲۴۶	 کثرت کیفی (qualitative plurality)
۲۴۷	 کشش سازنده (formative impulse)
۲۴۷	 کلیت [منطقی] (universality)
۲۴۷	 کلیت دقیق (strict universality)
۲۴۸	 کلیت تجربی (empirical universality)
۲۴۸	 کلیسای ارتودوکس (orthodoxy church)
۲۴۸	 کلیسای کاتولیک و پروتستان (catholic church)
۲۴۸	 کلیسای مرئی (church visible)
۲۴۹	 کلیسای نامرئی (church invisible)
۲۴۹	 کمال (perfection)
۲۴۹	 کمال اخلاقی (moral perfection)
۲۴۹	 کمال اخلاقی بیرون ذهنی (objective moral perfection)
۲۵۰	 کمال اخلاقی درون ذهنی (subjective moral perfection)
۲۵۰	 کمیت [چندی] (magnitude, quantity)
۲۵۰	 کمیت ذودرجه یا اشتدادی (intensive quantity)
۲۵۱	 کمیت ممتد (extensive magnitude)
۲۵۱	 کیش-قانون (canon)

۲۵۱	(cosmotheology) کیهان- یزدان‌شناسی
۲۵۱	(problematic proposition) گزاره احتمالی
۲۵۱	(Experimental judgements) گزاره‌های تجربی
۲۵۲	(assertoric judgements) گزاره‌های تحقیقی
۲۵۲	(mathematical judgements) گزاره‌های ریاضی
۲۵۲	(apodeictic judgments) گزاره‌های یقینی
۲۵۲	(physicotheology and moral theology) گنیز یزدان‌شناسی و یزدان‌شناسی اخلاقی
۲۵۲	(choice) گزینش
۲۵۳	(free choice) گزینش آزاد
۲۵۳	(human act of choice) گزینش انسانی
۲۵۳	(brute choice) گزینش حیوانی
۲۵۳	(moment) لحظه [وهمه]
۲۵۳	(pleasure) لذت
۲۵۴	(the pleasure in the realization of an object) لذت از تحقق یک موضوع
۲۵۴	(pleasure of enjoyment) لذت خوش آمدن
۲۵۵	(practical pleasure) لذت عملی
۲۵۵	(contemplative pleasure) لذت نظری (خوشی غیرفعال)
۲۵۵	(Metaphysics) مابعد الطبیعه / متافیزیک
۲۵۸	(metaphysics of morals) مابعد الطبیعه اخلاق
۲۵۹	(metaphysics of right) مابعد الطبیعه حق
۲۵۹	(matter) ماده
۲۵۹	(matter of practical principle) ماده اصلی عملی
۲۵۹	(matter of the volition) ماده‌ی اراده
۲۵۹	(matter of the faculty of desire) ماده‌ی قوه‌ی میل
۲۶۰	(matter of a practical principle) ماده اصل عملی
۲۶۰	(logical matter) ماده منطقی
۲۶۰	(the first matter of appearance) ماده نخستین پدیدار
۲۶۰	(possession) مالکیت
۲۶۰	(empirical possession) مالکیت تجربی
۲۶۱	(rightful possession) مالکیت حقانی [حقوقی]

۲۶۱	مالکیت شناخت ناب (possession of a pure cognition)
۲۶۱	مالکیت معقول [عقلانی] (rational possession or intelligible possession)
۲۶۱	مبادی ماتقدم محض (pure a priori principles)
۲۶۲	مبادی حلولی (immanent principles)
۲۶۲	مبادی حلولی فهم محض
۲۶۲	مبادی متعالی (transcendent principles)
۲۶۲	مبادی حکمتی (maxims)
۲۶۲	مبادی حکمتی عقل (maxims of reason)
۲۶۳	مبنا (maxim)
۲۶۳	مباح (allowed or licitum)
۲۶۳	متافیزیک اخلاقیات (metaphysics of morals)
۲۶۴	متافیزیک طبیعت (metaphysics of nature)
۲۶۴	متافیزیک در منطق (metaphysical chapters of logic)
۲۶۴	متخصص حقوق [حقوقدان] (jurist or juriconsult)
۲۶۴	متعالی (transcendent)
۲۶۵	متعلق، ابژه (برابر ایستا) (object)
۲۶۵	متعلقات یا ابژه‌های بیرونی (outer objects)
۲۶۵	متعلق استعلایی (transcendental object)
۲۶۵	متعلق بیرونی (external object)
۲۶۵	متعلق درونی (internal object)
۲۶۶	متغین (latitudinarius)
۲۶۶	مثال (example)
۲۶۶	مجازات (punishment)
۲۶۶	مجمع دائمی ملل (permanent congress of nations)
۲۶۷	محدودیت [کراتمندی] (limitation)
۲۶۷	محرک (motive)
۲۶۷	محصول سازمند طبیعت (natural organized product)
۲۶۷	مذهب (religion)
۲۶۷	مراقبت اخلاقی (moral vigilance)
۲۶۸	مربی و معلم (instructor) (tutor)

۲۶۸	مرتد (renegade)
۲۶۸	مردم گریز (misanthropic)
۲۶۸	مسأله جدلی الطرفین (antinomy)
۲۶۹	مسهله و اغماض دینی (tolerance)
۲۶۹	مسئولیت (responsibility)
۲۶۹	مسئولیت معتبر (imputatio valida)
۲۶۹	مشارکت (community)
۲۷۰	مشترک المنافع (commonwealth)
۲۷۰	مشیت الاهی (devine providence)
۲۷۰	مشیت قانون گذار (ruling providence)
۲۷۱	مشیت نخستین (founding providence)
۲۷۱	مشیت هدایت گر (guiding providence)
۲۷۱	مطایبه (humour)
۲۷۱	مطبوع (pleasant or agreeable)
۲۷۲	مطلقاً ممکن (absolutely possible)
۲۷۲	مطلقاً ناممکن (absolutely impossible)
۲۷۲	معتاد (consuetudinarius)
۲۷۲	معجزه (miracle)
۲۷۲	معقول (intelligible)
۲۷۳	[مغالطه] عقل سلیم / مشترک (fallacy of common sense)
۲۷۳	مغالطه استعلایی (transcendental paralogism)
۲۷۳	مغالطه منطقی (logical paralogism)
۲۷۴	مفاهیم رؤیت (concepts of reflection)
۲۷۴	مفاهیم طبیعی (natural concepts)
۲۷۴	مفاهیم محض عقل (concepts of pure reason)
۲۷۴	مفاهیم محض فاهمه (pure concepts of understanding)
۲۷۵	مفهوم اختیار (concept of freedom)
۲۷۵	مفهوم استعلایی عقل (transcendental concept of reason)
۲۷۵	مفهوم محض فاهمه (pure concept of understanding)
۲۷۶	مفهوم محض و مقدم بر تجربه (pure and a priori concept)

۲۷۶		مفهوم‌های جهانی (world concepts)
۲۷۶		مقامات حکومت (political dignities)
۲۷۶		مقولات (categories)
۲۷۷		مقولات اختیار (categories of freedom)
۲۷۷		مقولات دینامیکی (dynamical categories)
۲۷۷		مقولات ریاضی (mathematical categories)
۲۷۷		مقولات نظری (theoretical categories)
۲۷۷		مقوله (category)
۲۷۹		مقوله علت (category of cause)
۲۷۹		مقوله‌های پویا (dynamic categories)
۲۸۰		مقوله‌های جهش (categories of modality)
۲۸۰		مقوله‌های ریاضی (mathematical categories)
۲۸۰		مکان (space)
۲۸۱		ملاک امکان یک مفهوم (criterion for the possibility of a concept)
۲۸۱		ملاک یک فرضیه (criterion of a hypothesis)
۲۸۲		ملت (nation)
۲۸۲		ملحد عملی (practical atheist)
۲۸۲		ممکن [امر ممکن] (possible)
۲۸۳		ممنوع (forbidden)
۲۸۳		من (I)
۲۸۳		متناقض (dissenter)
۲۸۳		منشأ [مبدأ] (origin)
۲۸۳		منطق (logic)
۲۸۴		منطق استعلایی (transcendental logic)
۲۸۴		منطق تحلیلی (analytical logic)
۲۸۵		منطق دیالکتیک (dialectic logic)
۲۸۵		منطق عمومی (general logic)
۲۸۶		منطق عمومی کاربردی [کار بسته] (applied general logic)
۲۸۶		منطق کاربرد عام فهم
۲۸۷		منطق کاربرد ویژه فاهمه

۲۸۷	(pure logic or formal logic) منطق محض یا منطق صوری
۲۸۸	(I think) من می‌اندیشم
۲۸۹	(object of practical knowledge) موضوع شناخت عملی
۲۸۹	(subject of practical reason) موضوع عقل عملی
۲۸۹	(author) مؤلف
۲۸۹	(habit, skill) مهارت
۲۹۰	(affability) مهربانی
۲۹۰	(The most important duty of philosophy) مهمترین وظیفه فلسفه
۲۹۰	(desire) میل
۲۹۰	(sexual impulse) میل جنسی
۲۹۰	(minority) [عدم بلوغ] نابالغی
۲۹۱	(wrong) ناحق
۲۹۱	(intolerant) ناسازگار
۲۹۱	(ingratitude proper) ناسپاسی بارز
۲۹۱	(publisher) ناشر
۲۹۱	(unlawful publisher) ناشر غیر قانونی
۲۹۲	(rightful publisher) ناشر قانونی
۲۹۲	(genius) نبوغ
۲۹۲	(relation of community or interaction) نسبت مشارکت یا مبادله
۲۹۳	(relation of influence) نسبت نفوذ
۲۹۳	(system) [دستگاه شناخت] نظام
۲۹۳	(empirical system of morality) نظام اخلاقی تجربی
۲۹۳	(ration system of morality) (عقلانی) نظام اخلاقی عقلی
۲۹۳	(occasionalism) نظریه علل اعدادی
۲۹۴	(pre-established harmony) نظریه هماهنگی پیشین بنیاد
۲۹۴	(odium theologicum) نفرت دینی
۲۹۴	(transcendental critique) نقد استعلایی
۲۹۴	(critique of pure reason) نقد عقل محض (سنجش خردناب)
۲۹۶	(frailty of human nature) نقص طبیعت انسان
۲۹۶	(happines) نیکبختی

۲۹۶	 (kind action / kindness) نیکوکاری
۲۹۷	 (praying) نماز [صوری]
۲۹۷	 (devout prayer) نیاپش عبادی
۲۹۷	 (radical perversity in the human heart) واژگونی بنیادی قلوب انسانی
۲۹۷	 (actual) واقعی
۲۹۸	 (reality) واقعیت
۲۹۸	 (alienation) واگناری
۲۹۸	 (sublime) والا
۲۹۹	 (pre-eminent good) والا ترین خیر (اخلاقی)
۲۹۹	 (dynamically sublime) والای پویا
۲۹۹	 (morality) وجاهت اخلاقی
۲۹۹	 (legality) وجاهت قانونی
۳۰۰	 (conscious) وجدان
۳۰۰	 (being, existence) وجود، هستی
۳۰۱	 (unity of consciousness) وحدت آگاهی
۳۰۱	 وحدت استعلایی ترکیبی قوه تخیل
۳۰۱	 وحدت استعلایی خودآگاهی
۳۰۲	 (empirical unity of consciousness) وحدت تجربی آگاهی
۳۰۲	 وحدت ترکیبی اصلی خودآگاهی
۳۰۲	 (unity of apperception) وحدت خودآگاهی
۳۰۲	 (the subjective unity of consciousness) وحدت ذهنی آگاهی
۳۰۳	 (unity of reason of appearances) وحدت عقلی پدیدارها
۳۰۳	 (syncretism) وحدت کلمه
۳۰۳	 (qualitative unity) وحدت کیفی
۳۰۳	 (systematic unity) وحدت نظام‌مند
۳۰۴	 (inheritance) وراثت
۳۰۴	 (means) وسایل (رشد اخلاقی)
۳۰۴	 (means) وسیله [درنسبت به غایت]
۳۰۴	 (ethical state of nature) وضع طبیعی اخلاقی
۳۰۴	 (jurical state of nature) وضع طبیعی حقوقی

۳۰۵	وضعیت اخلاقی - مدنی (ethico- civil state)
۳۰۵	وضعیت حقوقی (judicial state)
۳۰۵	وضعیت حقوقی - مدنی (سیاسی) (juridico- civil (political) state)
۳۰۵	وضعیت طبیعی (natural state)
۳۰۵	وضعیت مدنی (civil state)
۳۰۶	وظیفه (duty)
۳۰۷	وظیفه دینی (duty of religion)
۳۰۷	وظیفه منتقدش خردناب (the duty of critique of pure reason)
۳۰۷	وظیفه فلسفه (duty of philosophy)
۳۰۷	وظیفه نامشروط (noncondition duty)
۳۰۷	هرزگی جنسی (vaga libido)
۳۰۸	هستی - یزدان‌شناسی (ontotheology)
۳۰۸	همبستگی صلح جویانه (peaceable relation)
۳۰۸	همبودی (simultaneity)
۳۰۸	هندسه (geometry)
۳۰۹	هنر (art)
۳۰۹	هنر پیکرتراشی (sculpture)
۳۰۹	هنر زیبا (beautiful art)
۳۰۹	هنر زیبا شناختی (aesthetical art)
۳۱۰	هنر مطبوع (pleasant art)
۳۱۰	هنر معماری (architecture)
۳۱۰	هنر مکانیکی (mechanical art)
۳۱۰	هنر نقاشی (painting)

مقدمه

قریب به پنجاه سال است که فلسفه کانت، هم در مقام فهم وهم در مقام نقد، مورد اعتنا و عنایت جدی فلسفی اندیشان ایرانی قرار گرفته است. در طی این پنجاه سال در ایران، محمدعلی فروغی را می توان مبدا جریان فهم کانت دانست (ر. ک فروغی، سیر حکمت در اروپا) و طباطبائی و مطهری را نقطه آغاز جریان نقد بومی برکانت قلمداد کرد (ر. ک امید، مقایسه معرفت شناسی مطهری و کانت، بخش دوم، فصل اول). از مجموعه آثار منتشره مربوط به کانت به زبان فارسی، اعم از آثار خود وی و نیز شرح ها و تفهیم ها، چنین برمی آید که فلسفه کانت بر ذائقه ایرانی خوش آمده است و تا حدی جایگاهی میان فلسفی اندیشان ایرانی یافته است. در حالی که تقریباً تمام آثار مهم کانت، به فارسی، دردسترس خواننده ایرانی قرار دارد، اما هنوز جای یک فرهنگ اصطلاحات مربوط به فلسفه کانت، کاملاً خالی به نظر می رسد. دیری است که این خلأ و کاستی خود را آشکار ساخته است. اما چه بآنگی که دست تقدیر در این روزگار، جریان فلسفه خوانی و فلسفه دانی را بر مبنای پرسنگلاخ نهاده است تا ره پوید و از این رو چنان نیست که روزی فلسفی به هنگام دررسد و کام طالبان را به موقع شیرین سازد.

حال در پاسخ به این کاستی، به عنوان گامی نخستین، فرهنگ اصطلاحات فلسفه کانت، براساس مهم ترین آثار ترجمه شده وی تدوین و در اختیار علاقمندان نهاده می شود.

این مجموعه در طی حدود سه سال تدوین شده است و بیش از هزار اصطلاح را شامل می شود. در این فرهنگ نظر بر این بوده است تا توصیف ها و تعریف های کانت در مورد اصطلاحات و واژه ها، عیناً

منعکس شود. البته در مورد پاره ای از اصطلاحات، براساس سیاق کلام یا دیگر توصیفات کانت، افزوده هایی صورت گرفته است. نیز معادل های انگلیسی اصطلاحات استخراج و در برابر آنها نهاده شده است. به علاوه، در پایان هر توصیف، به اطلاعات دقیق کتاب شناختی اشاره شده است. در واقع با این اوصاف سعی بر این بوده است تا این فرهنگ، خود را به صورت منبع کارآمدی برای دانشجویان فلسفه و دیگر علاقمندان به فلسفه کانت نشان دهد. از طرف دیگر از آنجا که یک فرهنگ اصطلاحات می تواند یک منبع راهنمای مناسب برای تدوین مقاله نیز باشد، بدین منظور برای آشکار شدن هر چه بهتر این نوع کاربرد در مورد این فرهنگ، به ویژه برای دانشجویان، به عنوان نمونه مقاله ای براساس اصطلاح «مابعدالطبیعه»، تالیف و در ادامه ارائه شده است. مقاله مذکور می تواند الگویی برای تدوین نوشتارهایی اولیه از این دست باشد.

شیوه ی کلی تنظیم چنین مقاله ای را می توان چنین در نظر گرفت:

- ۱- تعیین اصطلاح مورد نظر
- ۲- تعیین اصطلاحات مشابه و مربوط به اصطلاح مورد نظر
- ۳- مطالعه تشریحی در مورد اصطلاحات مورد نظر با استفاده از آثار و شرح آثار
- ۴- تعیین چارچوب و الگوی کلی مقاله (تقسیم بندی و تیربندی های کلی)
- ۵- نوشتن مقاله

اطلاعات کتاب شناختی اصطلاح شناسی کانت

اطلاعات کتاب شناختی فرهنگ اصطلاحات کانت، از این قرار است:

۱- کانت، ایمانوئل، نقد سنجش خرد ناب، میرشمس الدین ادیب سلطانی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲

۲- کانت، ایمانوئل، نقد قوه حکم، عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶

۳- کانت، ایمانوئل، نقد عقل عملی، انشاءالله رحمتی، تهران، نورالثقلین، چاپ دوم، ۱۳۸۵

۴- کانت، ایمانوئل، تمهیدات، غلامعلی حداد عادل، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۷

۵- کانت، ایمانوئل، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق، حمید عنایت و علی قیصری، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۹

۶- کانت، ایمانوئل، مابعدالطبیعه اخلاق (فلسفه فضیلت)، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰

۷- کانت، ایمانوئل، درس های فلسفه اخلاق، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۷۸

۸- کانت، ایمانوئل، فلسفه حقوق، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰

۹- کانت، ایمانوئل، دین در محدوده عقل تنها، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۱

۱۰- کانت، ایمانوئل، رساله کشف، هنری، ای، آلیسون، مهدی ذاکری، قم، دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۳

- ۱۱- کانت، ایمانوئل، تعلیم و تربیت، غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۸
- ۱۲- کانت، ایمانوئل، روشن نگری چیست؟، سیروس آرین پور، تهران، آگه، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۱۳- کانت، ایمانوئل، صلح پایدار، محمدصبوری، تهران، به باوران، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۱۴- کانت، ایمانوئل، رشد عقل (معنای تاریخ کلی درغایت جهان وطنی)، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۴
- در نهایت باید گفت که تلاش‌هایی از این دست، در پی آن نیست تا فلسفه دوستان را به تقلید و تأسی از کسی فراخواند، حاشا که خود ذات فلسفه ما را از این امر بی‌ارمی دارد؛ بلکه بیشتر در پی آنیم و امیدواریم این گام کوچک، هم برغنائی فضیلتی فلسفی اندیشی و هم برارتقای سطح گفتگوی فلسفه اسلامی با فلسفه کانت، در ایران بیفزاید.

محمود امید

گروه فلسفه دانشگاه تبریز

نمونه مقاله:

گستره معنایی واژه مابعدالطبیعه / متافیزیک در فلسفه کانت

چکیده

این نوشتار به دنبال آن است تا مجموعه کاربرد های واژه مابعدالطبیعه یا متافیزیک را از نظر کانت مورد تحقیق قرار دهد و تعریف و توصیفی را که در مورد هر یک از آنها صورت گرفته است، بیان کند. از این طریق است که می توان به نحو آشکارتری مراد کانت را از واژه مابعدالطبیعه دریافت.

با تامل در آثار کانت روشن می شود که به طور کلی کانت واژه مابعدالطبیعه یا متافیزیک را در سه حالت «مطلق» به صورت «مابعدالطبیعه» یا «متافیزیک»، و حالت «مضاف» مانند: مابعدالطبیعه اخلاق، مابعدالطبیعه حقوق، مابعدالطبیعه طبیعت، و حالت «وصفی» از قبیل: شرح متافیزیکی، جزم-گزوی متافیزیکی، به کار برده است. از این میان تنها معنای نخست است که مورد نقد کانت قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: کانت، معانی مابعدالطبیعه، حالت مطلق، حالت اضافی، حالت وصفی، توصیف معانی.

مقدمه

نام ایمانوئل کانت، فیلسوف آلمانی، با جریان نقد ورد متافیزیک یا مابعدالطبیعه، قرین و عجیب است. اما در این میان سوال این است که آیا واژه متافیزیک در فلسفه کانت تنها دارای یک معنا است؟ و به دنبال آن این سوال قابل طرح است که در فلسفه کانت چه معنا یا معانی از متافیزیک مطرح شده است و مراد کانت در نقد متافیزیک، کدامیک از این معانی است؟

این نوشتار به دنبال آن است تا مجموعه کاربردهای واژه مابعدالطبیعه یا متافیزیک را از نظر کانت مورد تحقیق قرار دهد و تعریف و توصیفی را که در مورد هر یک از آنها صورت گرفته است، بیان کند. از این طریق، به نحو آشکارتری می توان مراد کانت را از واژه مابعدالطبیعه دریافت و نیز با این وصف، معنایی که مورد نقد وی است، روشن تر می گردد.

تقسیم بندی کلی در باب کاربردهای واژه مابعدالطبیعه

به طور کلی کانت واژه مابعدالطبیعه یا متافیزیک را در سه حالت «مطلق»، «مضاف» و «وصفی» به کار برده است. در زیر به اقسام این حالت های سه گانه اشاره می شود:

- ۱- کاربرد در معنای مطلق: به صورت «مابعدالطبیعه» یا «متافیزیک».
- ۲- کاربرد در معنای مضاف: به صورت های (ممکن و بالفعل): الف- مابعدالطبیعه مابعدالطبیعه ب- مابعدالطبیعه شناخت ج- مابعدالطبیعه اخلاق د- مابعدالطبیعه حقوق ه- مابعدالطبیعه طبیعت.

۳- کاربرد در معنای وصفی و به عنوان صفت: به صورت های: شرح متافیزیکی، جزم گروهی متافیزیکی.

از میان کاربردهای فوق، متافیزیک به معنای مطلق آن است که مورد نقد کانت قرار گرفته است. در اینجا در ادامه، به تحلیل و توصیف کانت از متافیزیک، در کاربردهای سه گانه آن می پردازیم.

الف- معنای مطلق مابعدالطبیعه / متافیزیک (metaphysics)

تصور کانت از مابعدالطبیعه در راستای توصیف و تلفی از آن قرار دارد و تابع آن است. (caygill, 1995:291) بر این اساس مابعدالطبیعه کلاسیک عبارت از داشتن چشم انداز کلی به واقعیات و تحقیق در مبادی آنها که خود را در بحث وجودشناسی جلوه گر می سازد به علاوه بحث در خدا، جهان و انسان (نفس) که عالی ترین و اصلی ترین ثمرات و نتایج آن به شمار می روند: «دانشی که با مجموعه مدارک های خود [مباحث کلی و امور عامه] آهنگ نهایی اش فقط حل این مسائل [خداوند، آزادی و نامیرایی] است». (kant, 1964:B7) تحلیل و بررسی ماهیت متافیزیک را از نظر کانت می توان از جهات مختلف مورد توجه قرار داد. در ذیل به جهات مذکور و آنگاه دیدگاه کانت اشاره می شود:

الف-۱- از جهت روان شناسی فلسفی

ویژگی های متافیزیک را از جهت روان شناسی فلسفی می توان چنین برشمرد: نخست آنکه اساساً متافیزیک یک میل و کشش درونی برای انسان محسوب می شود. انسان ها از جانب درون خود نسبت به شکل دادن به متافیزیک، در خود احساس مثبت و جهت داری دارند: «عقل عمومی آدمیان را با مابعدالطبیعه علقه ای است». (kant, 1989:5) «خطوط

اصلی مابعدالطبیعه، شاید بیش از هر علم دیگری، توسط خود طبیعت، در ما نهاده شده است.» (کانت، ۱۳۶۷: ۲۰۶)

دوم، گریز و گزیرناپذیری متافیزیک برای خرد آدمی: «خرد آدمی در رده‌ای از شناخت‌های خویش دارای این سرنوشت ویژه است که پرسش‌هایی سربر آن می‌شوند که آنها را نمی‌تواند کنار زند، زیرا این پرسش‌ها به وسیله خود طبیعت خرد در برابر خرد نهاده می‌شوند.» (kant, 1964:AVII)

سوم، اساساً علاقه نظری و نگرورزانه متافیزیکی انسان بر پایه‌ها و علایق عملی او قرار دارد. اینکه انسان سر بر آستان متافیزیک می‌نهد و در آن وادی سیر می‌کند برحاست از نیازها و گرایش‌های عملی اوست. به بیان دیگر انسان وقتی که به دنبال حل مسایل نظری در حوزه متافیزیک است، در واقع در نهایت در پی حل مشکلات عملی خود می‌باشد و در واقع هدف، حوزه عمل است: «خرد به وسیله گونه‌ای تمایل طبیعت خویش به پیش رانده می‌شود تا از کاربرد تجربه فراتر رود، در یک کاربرد ناب و به واسطه ایده‌های محض به دورترین مرزهای هر گونه شناخت سفر کند و تنها در تکمیل طریق خویش، در یک کل نظامند خودبسنده، آرامش یابد. اینک آیا این تلاش صرفاً بر پایه علاقه نظری عقل استوار است، یا برعکس، تنها و تنها بر پایه علاقه عملی خرد؟» (kant, 1964:A798,B826)

چهارم، سهولت دسترسی به متافیزیک نسبت به علوم دیگر عامل توجه و رجوع به آن است. در فعالیت متافیزیکی مواد و مصالح کار فلسفی در دسترس بوده و به راحتی قابل وصول و بهره‌برداری است و نیازمند تجربه خارجی یا تأمین منابع و مصالح و طی مسافت و تهیه امکانات آزمایشگاهی و ویژه و دشواری‌های متعدد دیگر که در علوم

تجربی رایج است، نمی‌باشد. سهولت و راحتی قرار گرفتن در فضای متافیزیکی عامل مهمی در رجوع و پرداختن به آن است. از نظر کانت انسان به متافیزیک می‌پردازد «بی‌آنکه خود را به وساطت تجربه محتاج بپیدا یا به نحوی بتواند از رهگذر تجربه به آنها دست یابد». (kant, 1989: 75-6) همه کسانی که در مقام سایر علوم احتیاط می‌کنند و مهر سکوت بر لب می‌زنند وقتی بحث متافیزیک به میان می‌آید استادانه داد سخن می‌دهند و گستاخانه فتوا صادر می‌کنند چرا که در اینجا جهالت آنان در برابر انانی دیگران آشکارا از پرده برون نمی‌افتد. (کانت، ۱۳۶۷: ۹۳) پنجم، قوای که عهده‌دار تأسیس و شکل دادن به متافیزیک است، عقل می‌باشد. این عقل است که با تکیه بر اندوخته‌ها و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود به تشکیل متافیزیک می‌پردازد: «جوهر اصلی متافیزیک و خصوصیت ذاتی آن ... همانا اشتغال عقل است به صرف خود عقل و التفات به اموری که عقل آنها را ماکولوار زیر پر مفاهیم خویش گرفته و مستقیماً زاینده آن مفاهیم می‌پندارد». (kant, 1989: 75-6)

الف-۲- از جهت معرفت‌شناسی

مهم‌ترین نکته معرفت‌شناختی که باید در باب متافیزیک بدان توجه داشت این است که آن امری فراتجربی است و کاملاً از تجربه فراتر می‌رود و ربط و نسبتی با آن ندارد. کانت دریاب این وصف معرفتی متافیزیک بسیار داد سخن داده است:

۱ عقل آدمی برای پاسخ به برخی پرسش‌ها به مبادی پناه می‌برد که از همه کاربردهای ممکن تجربه فراتر می‌روند و با این همه چنان غیرمشکوک به نظر می‌رسند که حتی عقل آدمی با آنها در توافق است. ولی عقل از این راه به درون تاریکی تناقض‌ها سقوط می‌کند و البته

می‌تواند از آنها نتیجه بگیرد که می‌باید در جایی خطاهای پنهانی در بن قرار داشته باشد هرچند که او نمی‌تواند این خطاها را کشف کند. زیرا این مبادی از قلمرو تجربه فراتر می‌روند و دیگر محک تجربه را بر نمی‌شناسند. اکنون رزمگاه این جدلهای پایین‌ناپذیر، مابعدالطبیعه نامیده می‌شود. (AVIII)

۲ متافیزیک نوعی شناخت عقل نظری کاملاً جدا افتاده است که سراسر از آموزش تجربی فراتر می‌رود و در واقع بوسیله مفاهیم محض چنین می‌کند. متافیزیک ساکنون نتوانسته راه مطمئن دانش را بیاماید... در متافیزیک وضع چنان است که خرد پیوسته در دشواری‌ها گیر می‌کند. در متافیزیک انسان باید دغدغه‌های بی‌شمار از راه برگردد. (BXIV)

۳ متافیزیک به مفاهیم مانندمی می‌پردازد که متعلقات متناظر متناسب با آن مفاهیم می‌توانند در تجربه داده شوند. فراتر رفتن از مرز تجربه ممکن، دقیقاً گوه‌ری‌ترین وظیفه این دانش است. (BXIX)

۴ متافیزیک باید کار خود را سراسر به نحو ماتقدم پیش برد و در نتیجه به خرسندی کامل عقل نظری بیانجامد. (BXXXVI)

۵ مفهوم مابعدالطبیعه خود حاکی از آن است که تجربه بودن آنها ممکن نیست. (تمهیدات، ۱۳۶۷: ۹۵)

۶ مابعدالطبیعه شناخت مقدم بر تجربه است و یا ناشی از فهم محض و عقل محض است. (همان: ۹۶)

۷ مابعدالطبیعه، شناسایی فلسفی محض است. (همان)